

قدرت بی‌قدرتان

راتسلاف هاول

ترجمه

احسان کیانی‌خواه

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۸

قدرت بی قدرتان
واتسلاف هاول
ترجمه احسان کیانی خواه

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ دوم، ۱۳۹۸ (اول، ۱۳۹۸)

شمارگان ۲۲۰۰

سرپرست مجموعه خشایار دیهیمی

صفحه آرا مرتضی فکوری

نقاشی روی جلد بهرام داوری

اپ و صحافی سپیدار

بر چاپ بهمن سراج

فهرست کتابخانه

سرساسه هاول، واتسلاف، ۱۹۳۶ - م.

عنوان و نام پدیدار قدرت بی قدرتان / واتسلاف هاول؛

ترجمه احسان کیانی خواه.

مشخصات نشر تهران فرهنگ نشر نه: آسیم، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری ۱۶۴ ص.

شابک ۹۷۸۰۶۰۰۰۲۹۰۰۰۹۷۳

وضعیت فهرست نویسی فیبا.

موضوع سیاست جهانی -- اخلاق -- آسیم -- کمونیسم --

چکسلواکی -- سیاست و حکومت

شناسه افزوده کیانی خواه، احسان، ۱۳۶۴ -، مترجم

رده بندی کنگره ۱۳۹۷ ق ۴ / ۵۲ / DB۲۲۴۱

رده بندی دیویی ۹۰۹/۸۲

شماره کتاب شناسی ملی ۵۴۹۱۴۶۳

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فروشگاه اینترنتی www.nashrenow.com

قیمت ۲۴,۰۰۰ تومان

سخن سرپرست مجموعه

«فلسفه» در همهٔ کشورهای مسلمان فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پرابهت است. کاتبان فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌گیرند که متناسب با این شأن باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالای تاقچه. عموم مردم هم بدیدهٔ احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتابخوان کتابی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را یدک می‌کشد. به ندرت آنها فلسفه خواندن کار هر کسی نیست و بنابراین عطایش را به لقایش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این تصور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم و توضیحاتی بدهیم. اکثر سؤال‌هایی که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چیست؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری حکمت» یا «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غالباً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟

اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و میدان می گشته است و سؤال‌هایی فلسفی را با رهگذران در میان می گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمولی «محاوره» نامیده می شود. اما سؤال‌های «فلسفی» سقراط از چه جنسی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال‌هایی را مطرح می کرد که با زندگی و شخصیت و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف محاوره، که لزوماً فیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال‌ها پر هیز نمی کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال‌ها از هرکس پرسیده شود هرگز نمی گوید این بحث‌ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آنها نمی شوم. اما هرچه از دوران سقراط فارغ شدیم و علی‌الخصوص پس از ارسطو و کتاب مابعدالطبیعه اش فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظری سیستماتیک. آن دسته اول همان راه سقراط را در پیش گرفتند و سعی در طرح سؤال‌هایی که به هرکس و کلاً به زندگی ربط پیدا می کند پاسخ به این سؤال‌ها «راه زندگی» هرکس را معین می کند. اما عده بیشتری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث‌های کلی و انتزاعی روییده پرداختند و اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی بود. دسته اول اکثراً به سقراط‌های زندگی و علی‌الخصوص زندگی خودشان استناد می کردند و سعی می کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و روش زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته‌های اینان بسیار شبیه نوشته‌های ادیبان و شاعران بود. برای همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان

شاعر و ادیب می‌خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان‌هایی که دل از نوجوانان می‌ربایند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می‌دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می‌کردند افرادی گمراه و خودفریفته قلمداد می‌کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی‌اش، که هرچه بهتر کردن زندگی است، دور می‌کنند و بدل به دانشی کاذب که به هیچ کار نمی‌آید. افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کی‌یرکگور، امرسون و کلاً اگزیستانسیالیست‌ها را می‌توان در دسته اول قرار داد و حتی شاید بتوان ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرن (سکولاستیک) آغاز می‌شوند و به فیلسوفان زبان ختم می‌شوند. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، هیوم، کانت، اسپینوزا و دیگران. این بحث البته دامنه بسیار گسترده‌ای دارد، اما هدف ما از این طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل برای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته‌ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می‌کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه ما از آن بهره‌مندی داریم. ما می‌کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که این سؤال‌های فشرده در این بیت گاه‌به‌گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخرت من چیست و طنم. در واقع همه این سؤال‌ها فلسفی هستند: از کجا آمده‌ایم، چه هستیم، چه باید بکنیم، معنای زندگی‌مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همه خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان بر شیوه

زندگی و عمل‌مان تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به‌دردنخور مختص عدهٔ قلیلی نیست. کتاب‌های «فلسوفان هنر زندگی» با ما سخن می‌گویند و ما از طریق سخن گفتن با آنها به شیوه‌ها و راه‌های درست‌تر عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیستنی کردن جهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم نظر اغلب نویسندگان و مترجمان فلسفه معطوف به کتاب‌های نظری سیستماتیک است، کتاب‌هایی که سرانندگان احساس می‌کنند که نویسنده‌اش اصلاً تلاشی می‌کند با زندگی را با همهٔ آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، دردهایش، خوسویش، بی‌خوردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خلاصه فراز و نشیب‌هایش درگیرشان شود، و ما را نیز همراه با خودش درگیرشان کند. برعکس این احساس به خواننده دست می‌دهد که با عقایدی انتزاعی و بی‌ربوست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که در زندگی‌مان با همهٔ این پدیده‌ها سروکار داریم و نیازمندیم که هرچه بیشتر از وضع زندگی‌مان و خصوصاً احساساتمان سر در بیاوریم. نسبت به داوری‌های ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داوری‌های ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعهٔ کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این سؤال می‌پردازند و در نتیجه ما به لبهٔ پرتگاه‌های دنیای پستی‌کشانده می‌شویم که یک‌سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمیز در کردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به‌اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پاسخ‌هایی دم‌دستی به این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان‌آسان برای همهٔ مشکلات همگان پیش پا می‌نهند

که همه با آنها آشنا هستیم: ۴۰ راه برای خوشبختی، ۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب، ۵۰ توصیه برای زندگی زناشویی، و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افراد، که نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرضه کرد که کارگر هم بیفتد. این کتاب‌ها اکثراً به‌نظر من خطرناک هم هستند، زیرا افراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای می‌پیچند که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطرناک است که جامعه ما و آحادش را تهدید می‌کند. البته هرگز به عنوان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان به چنین نجاتی از معطل مانده‌ای پاسخ داد، اما به‌رحال شاید گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عقل، بلکه شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام یک قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست. البته با در تامل بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های مسائل زندگی و دعوت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه‌حل‌های مخصوص به خودمان، یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همه فیلسوفان هنر زندگی دغدغه‌اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، نوع دوستی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش‌ها، شخصیت، همزیستی مسالمت‌آمیز، ترس، درد، بیماری، ملال، و... این مجموعه تقریباً پایانی ندارد و امیدوارم با یاری شما بتوانیم باب تازه‌ای را در نشر کتاب‌های فلسفی بگشاییم.

با اینکه کتاب‌های این مجموعه «فلسفی» هستند اما چون فلسفی به همان معنای خاصی هستند که توضیح دادم در عنوان

مجموعه به جای لفظ «فلسفه» از «هنر زندگی» استفاده شده است، شاید که این بهتر منظور و مقصود این مجموعه را برساند. در ضمن مجموعه «تجربه و هنر زندگی» همچنان که از عنوان هم برمی‌آید به دو دسته کتاب تقسیم می‌شود. کتاب‌های نظری «هنر زندگی» و زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های شخصی، یادداشت‌های پراکنده و خاطراتی که صرفاً «تجربه زندگی» هستند.

خشایار دیهیمی

۱۳۹۷/۹/۱۳